

حقوق والدین بر فرزندان

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی*

اشاره

در اسلام، هم‌چنان که برای فرزندان حقوقی معین گردیده، برای والدین نیز حقوقی در نظر گرفته شده است. برای استحکام خانواده و آرامش و سلامت روانی جامعه، آشنایی با حقوق پدر و مادر، امری لازم است که باید فرزندان بیاموزند و در این زمینه تلاش کنند تا به سعادت برسند.

امام سجاد علیه السلام بر شناخت این حقوق تأکید کرده و از خداوند متعال خاضعانه درخواست می‌کند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْهُمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهُمَا عَلَى الْإِهَامَا، وَاجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلِّهِ تَمَاماً؛ خداوندا! بر محمد و آلش درود فرست و دانستن آنچه در باره پدر و مادر بر من لازم است، به من الهام کن و آموختن همه واجبات را در این زمینه بدون کم‌وکاست برایم فراهم نما.» هم‌چنین آن حضرت علیه السلام در مورد حقوق والدین، نکات ارزشمندی را در قالب دعا و مناجات

* پژوهشگر و مدرس حوزه علمیه.

بیان فرموده است. آن امام بزرگوار، در فرازی دیگر می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابِيَهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ، وَأَبْرُهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّئُوفِ؛^۱ خداوند! چنان کن که از هیبت پدر و مادرم بسان هیبت سلطان خودکامه بیمناک باشم و به هر دو، چون مادری مهربان نیکی نمایم.»

در این بخش، به معرفی شماری از حقوق والدین می‌پردازیم:

۱. نیکی به والدین

ابی‌ولاد حناط، از امام صادق علیه السلام پرسید: خداوند متعال که در قرآن می‌فرماید: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۲ چه معنایی دارد و چگونه می‌توان به پدر و مادر نیکی نمود؟ امام فرمود: احسان، این است که با آنان نیک‌رفتار باشی، آنان را مجبور نکنی که نیازهای خود را از تو درخواست کنند؛ هرچند غنی باشند. از حال و روزگارشان آگاه و مشکلات آن‌ها را درک کنی. آیا خداوند نمی‌فرماید: «لَنْ تَسْأَلُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۳ به مقام نیکوکاران نمی‌رسید، مگر از آنچه دوست دارید، انفاق کنید.» سپس امام صادق علیه السلام در ادامه معنای آیه فرمود: «إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا؛ اگر آنان به سن پیری رسیدند، کمترین اهانتی را به آنان روا مدار و بر سر آنان فریاد نزن!» یعنی اگر تو را ناراحت کردند، تو به آنان اهانت نکن و اگر تو را زدند، بر سرشان داد و فریاد نکن و سخنان تند نگو؛ «قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ به آنان سخن نیک و محبت‌آمیز بگو»؛ مثلاً به آنان بگو: خداوند شما را ببخشد. این، از تو گفتاری نیک است...»^۴

۱. علی بن الحسین علیه السلام، صحیفه سجادیه، قم: دفتر نشر الهادی، اول، ۱۴۱۸ق، ص ۱۱۶، دعای ۲۴.

۲. بقره، آیه ۸۳؛ نساء، آیه ۳۶؛ انعام، آیه ۱۵۱؛ اِسْرَاء، آیه ۲۳.

۳. آل عمران، آیه ۹۲.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق. ج ۷۱، ص ۴۰.

- نیکی برای همیشه:

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چه مانعی دارد شخص مسلمان به پدر و مادرش، زنده باشند یا مرده، نیکی کند؟ به این ترتیب که از جانب آنان نماز بخواند، صدقه دهد، حج گزارد و روزه بگیرد؛ تا آنچه کرده، ثوابش هم چنان که برای والدین است، همانند آن برای خود او هم باشد. افزون بر این، خداوند متعال به سبب این احسان و نیکی، خیر بسیاری را برایش عطا می‌کند.^۱

- یک نگاه، یک حج:

آیا می‌دانید که نگاه مهرآمیز به چهره والدین، عبادت محسوب می‌شود؟ حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «النَّظْرُ إِلَى وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ»^۲ نگاه به صورت والدین، عبادت است.» و در حدیث دیگر، آن بزرگوار فرمود: «هیچ شخصی به سیمای پدر و مادر خود نگاه محبت‌آمیز نمی‌کند، مگر این که خداوند متعال در مقابل هر نگاه او، ثواب یک حج قبول شده به وی عطا می‌کند.» به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض شد: ای رسول خدا! اگر فردی هر روز صد مرتبه به چهره پدر یا مادرش نظاره کند، باز هم این پاداش را دریافت خواهد کرد؟ فرمود: «آری، اگر روزی صد هزار بار هم این کار را انجام دهد، ثواب صد حج پذیرفته خواهد داشت.»^۳

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۱، ص ۴۶: «مَا يَمْنَعُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ أَنْ يَبْرَّ وَالِدَيْهِ حَيِّينِ أَوْ مَيِّتَيْنِ يُصَلِّي عَنْهُمَا وَيَتَصَدَّقُ عَنْهُمَا وَيَحُجُّ عَنْهُمَا وَيَصُومُ عَنْهُمَا فَيَكُونُ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا وَلَهُ مِثْلُ ذَلِكَ فَيَزِيدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِبِرِّهِ وَصَلَاتِهِ خَيْرًا كَثِيرًا.»

۲. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسة آل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اول، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۲۰۴.

۳. همان: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَنْظُرُ إِلَى وَالِدَيْهِ نَظْرَ رَحْمَةٍ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حَجَّةً مَبْرُورَةً، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ نَظَرَ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ قَالَ وَإِنْ نَظَرَ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ أَلْفِ مَرَّةٍ.»

- پرهیز از تندخویی:

ابراهیم بن مهزم می گوید: روزی از محضر امام صادق علیه السلام بیرون آمدم و در مدینه به خانه ام رفتم. مادرم با من زندگی می کرد. در خانه به دلیل موضوعی با مادرم مجادله کرده و سخن خشن و ناهنجاری به او گفتم. فردای آن روز، بعد از ادای نماز صبح، دوباره به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شدم. هنگام ورود، بدون آن که حرفی زده باشم، امام به من فرمود: «ای پسر مهزم! شب گذشته با مادرت تند و خشن صحبت کردی. آیا نمی دانی شکم او مدت ها منزل و آغوشش گهواره و سینه اش ظرف غذای تو بوده است. چرا با او به تندی سخن گفتی، دیگر چنین مکن!»^۱

- شاد کردن والدین:

فرزندان صالح، از هر فرصتی برای خیرخواهی و شاد کردن پدر و مادر خویش بهره می گیرند. این عمل، نتایج مثبت و پرباری را برای آنان به همراه دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «استراحت در بستر، به جهت نیکی به والدین که آنان را شاد نمایی و آنان نیز با چهره ای بشاش با تو سخن بگویند، بهتر از این است که با شمشیر در راه خدا جهاد کنی» و در مقابل، اگر کسی والدین خود را خشمگین کند، نماز او پذیرفته نیست.^۲ امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر دوست داری عمری طولانی داشته باشی، پدر و مادرت را خوشحال کن.»^۳

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۱، ص ۷۶.

۲. متقی هندی، کنز العمال، بیروت: نشر مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ق، ج ۱۶، ص ۴۷۶.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۱، ص ۸۱: «وَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ يَزِيدَ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ فَسُرُّ أَوْلِيَّكَ.»

۲. حفظ شخصیت والدین

از حقوق دیگر والدین که بر عهده فرزند می‌باشد، این است که اسباب نارضایتی آنان را فراهم نیاورد و از کارهایی که سبب می‌شود شخصیت اجتماعی والدین مخدوش شود، دوری کند؛ چرا که گاهی بر اثر اعمال ناشایست فرزند، والدین او مورد اهانت قرار می‌گیرند. به همین جهت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «یکی از گناهان کبیره، این است که شخص، به پدر و مادر خود دشنام دهد.» پرسیدند: ای رسول خدا! مگر کسی به پدر و مادر خود دشنام می‌دهد؟ فرمود: «بلی. او به پدر و مادر دیگران دشنام می‌دهد و دیگران نیز به والدین او فحش و ناسزا می‌گویند.»^۱

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «روزی مردی به حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: ای رسول خدا! حقوق پدر بر عهده فرزند چیست؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پاسخ وی فرمود: او را با نامش صدا نکند؛ جلوتر از او راه نرود؛ قبل از او ننشیند؛ موجبات دشنام برای پدر را فراهم نیاورد.»^۲

۳. بذل اموال

فرزندان صالح و با ایمان، بر این باورند که هستی شان از پدر و مادر است و آنان علاوه بر این که وجودشان را در اختیار پدر و مادر قرار می‌دهند، از بذل اموال خود به والدین نیز هیچ گونه کوتاهی نمی‌ورزند.

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام، در توصیه حکیمانه‌ای می‌فرماید: «بر تو باد که از پدرت اطاعت کنی... و به وی نیکی نمایی. در مقابل او، خضوع و تواضع کن و تکریم و تعظیمش نما. سعی کن که صدای خود را همیشه از صدای او پایین‌تر بیاوری؛

۱. متقی هندی، کنز العمال، پیشین، ج ۱۶، ص ۴۷۶، ح ۴۵۵۲۳.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۹، باب البر

بالوالدین، ح ۵.

زیرا پدر، اصل و ریشه تو است و تو، شاخه‌ای از آن اصل هستی. اگر پدر نبود، تو به وجود نمی‌آمدی. پس، برای پدر و مادرتان جان و مال و مقام خود را بذل کنید.»^۱

در روایتی آمده است: «أَنْتَ وَمَالُكَ لِأَبِيكَ؛^۲ تو و اموالت برای پدرت می‌باشی.» حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «فرزندان شما، هدیه‌ای از طرف خداوند برای شما هستند. خداوند متعال به هر کس که بخواهد، دختر هدیه می‌دهد و به هر کس بخواهد، پسر هدیه می‌کند. هرگاه شما نیاز داشته باشید، فرزندانتان و اموالشان برای شما هستند.»^۳

از جمع‌بندی این روایات چنین بر می‌آید که فرزندان و وظیفه دارند در رفع نیازهای اقتصادی پدر و مادر خویش تلاش نمایند و مشکلات آنان را حل کنند و اموالشان را در جهت آسایش و رضایت آنان به کارگیرند.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر آیه «بِأَوْلَادِهِنَّ إِحْسَانًا» می‌فرماید: احسان، این است که با آن‌ها نیکو معاشرت کنی و آن‌ها مجبور نشوند چیزی را که نیاز دارند، از تو بخواهند.»^۴

پسر ثروتمند و پدر فقیر

از امیر مؤمنان، علی عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که فرمود: «پیرمردی گریه‌کنان دست پسرش را گرفته، نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه آورد و به ایشان گفت: ای رسول خدا! این پسر من است که در کوچکی او را غذا داده‌ام و با عزت و احترام، بزرگ کرده‌ام

۱. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، قم: اسوه، اول، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۵۸۹.

۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، دوم، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۳۳.

۳. متقی هندی، کنز العمال، پیشین، ج ۱۶، ص ۴۷۳.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۸.

و تمام خواسته‌هایش را بر آورده‌ام و با مال و ثروتم به او کمک کرده‌ام؛ تا این‌که قوی و ثروت‌مند گردید و من در راه پرورش وی، جان و مالم را فدا کرده‌ام و از ضعف و پیری به جایی رسیده‌ام که مشاهده می‌فرمایی. در مقابل این همه زحمت، این پسر هیچ‌گونه کمک مالی به من نمی‌کند.»

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رو به جوان کرد و فرمود: «چه می‌گویی؟»

جوان گفت: من مالی بیشتر از خرج و مخارج خود و عیالم ندارم تا به او کمک کنم. پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به پیرمرد گفت: «چه می‌گویی؟»

گفت: دروغ می‌گوئید، انبارهایی پُر از گندم، جو، خرما، کشمش و کیسه‌های زیادی پر از طلا و نقره دارد.

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به پسر گفت: «جوابت چیست؟»

پسر گفت: ذره‌ای از آن چیزهایی را که او ادعا می‌کند، من ندارم. در این‌جا پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «اتَّقِ اللَّهَ يَا فَتَى، وَأَحْسِنُ إِلَى والدِكَ الْمُحْسِنِ إِلَيْكَ يُحْسِنِ اللَّهُ إِلَيْكَ؛ از خدا بترس ای جوان، و نسبت به پدر مهربانت که این همه به تو نیکی و احسان کرده، نیکی و احسان کن؛ تا خدا نیز به تو احسان کند.»

جوان گفت: من چیزی ندارم.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «ما خرج این ماه پدرت را می‌دهیم؛ اما از ماه بعد خودت خرجش را بده.» سپس به اسامه فرمود: «به این پیرمرد، صد درهم برای خرج یک ماه خود و خانواده‌اش عطا کن.» اسامه نیز داد. بعد از یک ماه، پیرمرد همراه پسرش پیش پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدند و باز پسر گفت: چیزی ندارم.

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «تو ثروت زیادی داری؛ ولی امروز را به شب می‌رسانی در حالی که فقیر و ذلیل شده‌ای؛ به طوری که از پدرت فقیرتر خواهی شد و چیزی در بساطت نخواهد ماند.»

پسر برگشت و رفت. ناگهان دید همسایه‌هایش جمع شده‌اند و می‌گویند:

انبارهایت را هر چه زودتر خالی کن که از بوی گندش بسیار ناراحتیم. سپس به سراغ انبارهایش رفت و با کمال تعجب دید که همه گندم‌ها، جوها، خرماها و کشمش‌ها گندیده‌اند و فاسد شده‌اند. همسایه‌ها او را تحت فشار قرار دادند تا هر چه زودتر آن‌ها را خالی کند.

جوان نیز کارگران بسیاری را با مزد زیاد اجیر کرده و همه کالاهای فاسدشده را به منطقه‌ای دور از شهر منتقل کرد. به دنبال آن، جوان سراغ کیسه‌های طلا و نقره رفت تا مزد کارگران را بدهد؛ اما ناگهان دید که همه آن‌ها مسخ شده و به سنگ‌هایی بی‌ارزش تبدیل شده‌اند. کارگران وقتی چنین دیدند، دامنش را رها نکردند؛ تا این‌که مجبور شد تمام خانه و لوازمش را از قبیل فرش و لباس، فروخت و مزد کارگران را پرداخت و از آن همه دارایی، چیزی برایش باقی نماند و پس از اندک زمانی، بر اثر ناراحتی‌های روحی و فکری لاغر و مریض شد.

بعد از این حادثه، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «ای کسانی که عاق پدر و مادران‌تان هستید، از این پیشامد عبرت بگیرید و بدانید همان‌طور که در دنیا اموال آن جوان تباه گشت، عوض آنچه از درجات بهشت برایش فراهم بود، درکاتی در دوزخ برایش مقرر گردید.»^۱

توجه به حقوق دیگران

در این‌جا لازم است به این نکته اشاره شود که اگر در این روایات سخن از بذل مال به والدین و تأمین آرامش و آسایش کافی برای آنان به میان آمده است، به این معنا نیست که فرد به منظور خدمت به پدر و مادر از حقوق سایر افراد مایه بگذارد؛ مثلاً اگر فردی به خانواده خود سخت بگیرد و از نفقه همسر و فرزندان کم نموده و به والدین خویش بذل و بخشش کند، معصیت کرده است؛ زیرا پروردگار متعال هم‌چنان که برای پدر و مادر حقوقی قائل شده، برای

۱. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری، قم: مدرسة الإمام المهدي عَلَيْهِ السَّلَام، اول، ۱۴۰۹ق، ص ۴۲۲.

همسر و فرزندان نیز حقوقی را مقرر کرده است. یک مسلمان متعهد، هیچ‌گاه با افراط و یا تفریط، به خاطر والدین خود حقوق دیگران را ضایع نمی‌سازد. برای همین، رسول مکرم اسلام افرادی را که بنا بر عللی، حقوق اعضای خانواده خود را نادیده می‌گیرند، لعنت کرده است: «مَلْعُونٌ مَّلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مِنْ يَعُولٍ؛^۱ از رحمت خدا دور است، از رحمت خدا دور است، کسی که اعضای خانواده‌اش را در اثر ندادن نفقه تباه سازد.»

۴. حق‌شناسی والدین

تشکر از ولی‌نعمت، امری فطری است و عقلای عالم روی آن تأکید دارند. انسان از کسی که قدردان نعمت نباشد، خوشش نمی‌آید و او را فردی جاهل و بی‌ادب قلمداد می‌کند و در مقابل، شکرگزاری و قدرشناسی، در میان عموم مردم امری پسندیده و مطلوب تلقی می‌شود. به همین جهت، خداوند متعال با یادآوری زحمات والدین، فرزندان را به حق‌شناسی و قدردانی از آنان دعوت می‌کند:

«وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ؛^۲ و ما به انسان در باره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد [به هنگام بارداری، هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد] و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد. [آری، به انسان توصیه کردیم] که برای من و برای پدر و مادرت، شکر به جای آور که بازگشت همه، به سوی من است.»

در سوره احقاف نیز می‌فرماید: «وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۴، ص ۱۲.

۲. لقمان، آیه ۱۴.

رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ^۱ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش، سی ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد. می‌گوید: پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی، به جای آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به سوی تو باز می‌گردم و توبه می‌کنم و من، از مسلمانانم.»

جالب این‌که قرآن در باره پدر و مادر توصیه می‌کند؛ ولی به هنگام بیان زحمات و خدمات، بر زحمات مادر تکیه می‌نماید تا انسان را متوجه ایثارگری‌ها و حق عظیم او نماید. سپس می‌گوید: توصیه کردم که هم شکر مرا به جای آوری و هم شکر پدر و مادرت را؛ «أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ.»

پدر و مادر به دلیل وجود عواطف نیرومندشان، کمتر فرزندان خود را فراموش می‌نمایند؛ در حالی که فرزندان، پدر و مادر خود را، به‌خصوص هنگام پیری و از کار افتادگی‌شان، زیاد فراموش می‌کنند و این، دردناک‌ترین حالت برای والدین و بدترین ناشکری فرزندان محسوب می‌شود.

امام رضا علیه السلام فرمود: «خداوند متعال فرمان داده که بندگانش از او و از پدر و مادرشان، سپاس‌گزاری و تشکر نمایند. پس هر کس پدر و مادرش را شکرگزار نباشد و به زحمات آنان ارج نگذارد، چنین شخصی در واقع از خدای خویش هم سپاس‌گزاری نکرده است.»^۲

۱. احقاف، آیه ۱۵.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۹۱.

در حدیث آمده است که مردی مادر پیر و ناتوان خود را بر دوش گرفته و به طواف مشغول بود. در این هنگام، خدمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید و عرض کرد: «هَلْ أَدَّيْتُ حَقَّهَا؛ آیا حق مادرم را ادا کرده‌ام؟» پیامبر در جواب فرمود: «لَا وَ لَا بِزَفْرَةٍ وَاحِدَةٍ؛ نه، حتی یک ناله او را جبران نکرده‌ای.»^۱

- پاستور و قدردانی از مادر:

لوئی پاستور، شیمی‌دان معروف فرانسوی، هنگامی که به جهت نظریه‌های بدیع خود، به اوج افتخار جهانی رسید، دولت فرانسه در صدد برآمد خانه‌ای را که محل تولد او بود، به موزه تبدیل کند. پاستور در ضمن سخنرانی مقابل آن خانه محقر، مادر خویش را فراموش ننمود و در حالی که سخت متأثر شده بود، با صدایی لرزان گفت:

«ای مادر عزیز! ای گمشده دل‌بند که سالیانی دراز در این خانه با من به سر بردی، تویی که اکنون همه چیز را مدیون تو می‌بینم.

مادر شجاع و دلدارم! تمام حس فداکاری و شور و هیجانی که در راه عظمت علم و بزرگی میهنم به کار بسته‌ام و از این پس نیز به کار خواهم بست، تو به من آموخته‌ای و در وجودم رسوخ داده‌ای.

کار مشقت‌باری که تو در خانه و در کارگاه کوچک‌مان پیش گرفته بودی، به من درس صبر و حوصله در تحقیقات علمی آینده‌ام را داد. از آن‌گاه که با وجود فقر و مسکنت، مرا به مکتب فرستادی، عشق به میهن و خدمت به بشر را شب و روز به من آموختی.

اکنون از تو اجازه می‌خواهم، تمام سرافرازی و افتخاری که میهنم در جشن امروز به من اعطا می‌کند، به پیشگاه با عظمت تقدیم کنم.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش، ج ۲۱، ص ۳۳۴؛ صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش، ج ۲۳، ص ۲۲۷.

همین قدر بدان که امروز اگر فرزندان در میان امواج افتخار و سربلندی غوطه‌ور است، باز هم خود را بدون تو، ای مادر عزیز! در این جهان بزرگ، تنها و بی‌پناه می‌بیند.^۱

۵. اطاعت از والدین

طبق دستور قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، باید از والدین اطاعت کرد؛ چنان‌که امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام فرمود: «فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ»^۲ حق پدر بر عهده فرزند، این است که از او در همه چیز اطاعت کند؛ جز معصیت خدا.»

فقه‌های بزرگ اسلامی در مورد لزوم اطاعت والدین احکامی را مطرح کرده‌اند^۳ که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. در صورتی که پدر و مادر به مسافرت فرزندشان راضی نباشند و اجازه ندهند، سفرهای مباح و مستحبی بر فرزند حرام است. البته این حکم در دو مورد استثنا شده: اول، برای طلب علم؛ دوم، برای تجارت و کسب درآمد. در این دو مورد، اگر در شهر خود طلب علم و تأمین معاش مقدور نباشد، می‌تواند بدون اجازه والدین نیز مسافرت کند.

۲. اطاعت آنان در هر حال بر فرزندان لازم است و اگر آن‌ها بر هر کار مباح و حتی شبهه‌ناک دستور دهند، فرزند باید اطاعت کند؛ زیرا اطاعت آنان واجب و ترک شبهه، مستحب است.

۱. همان، ص ۲۳۹.

۲. سید رضی، نهج البلاغة، قم: مؤسسة نهج البلاغة، اول، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۸.

۳. اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحكام القرآن، تهران: المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة، اول، ص ۳۸۱؛ عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، القواعد والفوائد، قم: کتاب‌فروشی مفید، اول، ج ۲، ص ۴۷؛ حلی، مقداد بن عبدالله سیوری، نضد القواعد الفقھیة علی مذهب الإمامیة، قم: انتشارات کتابخانه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، اول، ۱۴۰۳ق، ص ۲۸۷.

۳. اگر جهاد بر کسی واجب عینی نباشد، والدین می‌توانند فرزندشان را از آن منع کنند. در روایت آمده است: مردی که می‌خواست به جهاد برود، به محضر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشرف شد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی متوجه شد که او پدر و مادر سال‌مندی دارد که با اعزام فرزندشان به جبهه نبرد راضی نیستند و دوست دارند در پیش آنان بماند، به او فرمود: اگر دنبال اجر و پاداش معنوی می‌گردی، به سوی والدینت برگرد و با آنان رفتار نیکو داشته باش. سپس حضرت سوگند یاد کرد که:

«فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَأَنْسُهُمَا بِكَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً خَيْرٌ مِنْ جِهَادِ سَنَةٍ»^۱

۴. اگر والدین او را که در حال انجام نماز مستحبی است، صدا بزنند، لازم است نمازش را قطع کند و امر آنان را اطاعت نماید. امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَانَ فِي الصَّلَاةِ فَدَعَاهُ الْوَالِدُ فَلْيُسَبِّحْ وَ إِذَا دَعَتْهُ الْوَالِدَةُ فَلْيَقُلْ لَبَّيْكَ»^۲ اگر پدر فرزندش را که در حال نماز است، صدا بزند، فرزند با تسبیح او را پاسخ بگوید و اگر مادرش صدا زند، لبیک گفته و به او توجه نماید.»

محدوده اطاعت

رعایت حقوق والدین، در صورتی است که خواسته آنان، مخالفت با خدا و نقض حقوق دیگران نباشد؛ وگرنه اگر کسی به بهانه خدمت به پدر و مادر، حقوق مسلم همسر و فرزندان و سایر برادران و خواهران ایمانی خود را نادیده انگاشته و موجب آزار و اذیت آنان شود، نه تنها ثوابی انجام نداده، بلکه مرتکب گناه شده است.

بنابراین، والدین را فقط می‌توان در مسیر حق اطاعت نمود؛ ولی اگر آنان بخواهند در راه باطل قدم بردارند، اطاعت ایشان بر فرزندان واجب نیست. روزی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام از مقابل عبدالله بن عمرو عاص می‌گذشت. عبدالله با

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۰.

۲. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۰.

مشاهده امام علیه السلام به حاضران گفت: «هر کس دوست دارد محبوب‌ترین مردم زمین را در نزد اهل آسمان ببیند، پس به این شخص عابر بنگرد؛ هر چند من از حادثه صفین تا کنون، با او سخن نگفته‌ام.»

ابو سعید خدری، او را نزد امام حسین علیه السلام آورده و گفته‌هایش را مطرح نمود. حضرت از عبدالله پرسید: «آیا تو می‌دانستی که من محبوب‌ترین مردم زمین نزد آسمانیانم و در عین حال، با من و پدرم در صفین به جنگ برخاستی؟ به خدا سوگند که پدر من، از من بهتر بود!»

عبدالله پوزش خواست و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: «از پدرت اطاعت کن.» حضرت فرمود: آیا فرموده خداوند متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا؛ و اگر پدر و مادرت تو را وادار کنند که آنچه را نمی‌دانی، شریک خدا قرار دهی، امر آنان را اطاعت مکن.»

و آیا فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله را نشنیده بودی که: «همانا اطاعت از غیر خدا، فقط در کارهای نیک است»؟ و نیز گفتار آن بزرگوار را که: «هیچ مخلوقی را در چیزی که نافرمانی آفریدگار است، نباید اطاعت کرد»؟^۲

از آن‌جا که توصیه به نیکی در مورد پدر و مادر، ممکن است این توهم را برای بعضی ایجاد کند که حتی در مسأله عقاید و کفر و ایمان نیز باید با آن‌ها مدارا کرد، خداوند در سوره لقمان می‌فرماید: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ

۱. لقمان، آیه ۱۵.

۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل‌ابی‌طالب، قم: نشر علامه، اول، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۷۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، پیشین، ج ۴۳، ص ۲۹۷؛ گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام،

فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، قم: نشر معروف، ۱۳۸۱ش، ص ۸۰۲.

لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا^۱ هرگاه آن دو (پدر و مادر)، تلاش و کوشش کنند چیزی را شریک من قرار دهی که از آن آگاهی نداری، از آن‌ها اطاعت مکن.»

دو نکته مهم

در این آیه، به دو نکته مهم اشاره شده است:

۱. استقلال اعتقادی

هرگز نباید رابطه انسان و پدر و مادرش، مقدم بر رابطه او با خدا باشد و هرگز نباید عواطف خویشاوندی، حاکم بر اعتقاد مکتبی او گردد. تعبیر به «جاهدک» در آیه ۱۵ سوره لقمان، اشاره به این است که پدر و مادر گاهی به گمان این که سعادت فرزند را می‌خواهند، تلاش و کوشش می‌کنند او را به عقیده انحرافی خود بکشانند. وظیفه فرزندان در این گونه موارد، این است که هرگز در برابر این فشارها تسلیم نشوند و استقلال فکری خود را حفظ کرده، عقیده توحید را با هیچ چیز معاوضه نکنند.

۲. رعایت اعتدال

از آن جا که ممکن است این فرمان، این توهم را به وجود آورد که در برابر پدر و مادر مشرک، باید بی‌حرمتی نمود، آیه بلافاصله اضافه می‌کند که عدم اطاعت آن‌ها در مسأله کفر و شرک، دلیل بر قطع رابطه مطلق با آن‌ها نیست؛ بلکه باید با آن‌ها به طرز شایسته‌ای رفتار شود؛ «وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا». به بیان دیگر، از نظر دنیا و زندگی مادی، باید با آن‌ها مهر و محبت و ملاحظت نمود و از نظر اعتقادی و برنامه‌های مذهبی، تسلیم افکار و پیشنهادهای آن‌ها نشد؛ این، درست نقطه اصلی اعتدال است که حقوق خدا و پدر و مادر، در آن جمع شده است.^۲

۱. لقمان، آیه ۱۵.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۱۷، ص ۴۲ - ۴۳.

۶. خدمت و حمایت در دوران پیری

یکی از علل نابسامانی‌های اجتماعی جوامع صنعتی عصر ما، متلاشی شدن نظام خانوادگی است که در آن، نه احترامی از سوی فرزندان وجود دارد، نه محبتی از سوی پدران و مادران، و نه پیوند مهر و عاطفه‌ای از سوی همسران. منظره دردناک آسایشگاه‌های بزرگسالان در جوامع صنعتی امروز که مرکز پدران و مادران ناتوانی است که از خانواده طرد شده‌اند، گواه این حقیقت تلخ است؛ مردان و زنانی که بعد از یک عمر خدمت، نیاز شدیدی به عواطف فرزندان و کمک‌های آن‌ها دارند؛ اما به‌کلی رانده می‌شوند و در آن‌جا در انتظار مرگ روزشماری می‌کنند و چشم‌انتظار ملاقات فرزندان و آشنایان خویش‌اند؛ انتظاری که شاید در سال یک یا دو بار بیشتر تکرار نمی‌شود. این است راه و رسم دنیای مادی و تمدن منهای ایمان و مذهب.^۱

ابراهیم بن شعیب به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «پدری بسیار پیر و ناتوان دارم. او را به دوش می‌کشم و برای قضای حاجت بیرون می‌برم. امام فرمود: هر چه می‌توانی به پدرت خدمت کن و حتی خودت با دست لقمه در دهان او بگذار که این کار، وسیله نجات تو از آتش دوزخ خواهد بود.»^۲

پاداش مادری در دوران پیری

پیرزنی که توسط فرزندانش در یکی از خیابان‌های تهران رها و سرگردان شده بود، گریان و نالان چنین گفت: «بچه‌ها، بی‌وفا و سنگ‌دل شده‌اند. این روزها که آفتاب عمرم لب بام و پایم لب گور است، از خانه بیرونم کرده‌اند و می‌گویند: تو دیگر پیر و عاطل شده‌ای، ما که پرستار تو نیستیم! من حالا چه کار کنم؟ توی این

۱. همان، ج ۲۱، ص ۳۳۵.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۲: «إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَتْلَىٰ ذَلِكَ مِنْهُ فَافْعَلْ وَ لَقْمُهُ بِبِدِكَ فَإِنَّهُ جَنَّةٌ لَكَ عَدَاً.»

شهر بزرگ، نه جایی دارم و نه کسی را می‌شناسم؛ حتی سگ‌های ولگرد کوچه و خیابان هم یک پیرزن هفتاد ساله را به لانه خود راه نمی‌دهند.»
در حالی که اشک از چشمان پیر سال‌خورده هم‌چنان سرازیر بود، ماجرایش را برای افسر نگهبان چنین تعریف کرد:

«... یک عمر خون جگر خوردم تا بچه‌هایم را بزرگ کردم، از خون و استخوانم برای آن‌ها مایه گذاشتم، لباس عروسی و دامادی تنشان کردم، گفتم دیگر نفسی راحت می‌کشم، دوران خوشی و نیکبختی‌ام فرا رسیده است. ولی افسوس! می‌گویند: پیر شده‌ای، غیر از دردسر، برای ما چیزی نداری، ما که سند نداده‌ایم تا آخر عمر جور تو را بکشیم...»

این در حالی است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نگاه محبت‌آمیز به صورت آنان را عبادت می‌داند.

ابوذر غفاری در این زمینه می‌گوید: از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که فرمود: «نگاه به چهار چیز عبادت است: ۱. نگاه به چهره علی بن ابی‌طالب عَلَيْهِ السَّلَام؛ ۲. نگاه مهر‌آمیز به چهره پدر و مادر؛ ۳. نگاه به قرآن؛ ۴. نگاه به کعبه.»^۱

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: مردی به حضور حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده، عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم به سن پیری و شکستگی رسیدند تا این‌که پدرم از دنیا رفت و مادرم به حدی پیر و ناتوان شده است که غذا را نرم می‌کنم و در دهانش می‌گذارم و او را همانند طفل شیرخوار قنداق می‌کنم و در میان گهواره می‌گذارم و می‌جنانم تا خوابش ببرد. پس از آن، کارش به جایی رسید که از من چیزی خواست که نمی‌دانستم چه می‌گوید و چه می‌خواهد و خلاصه، آنچه از دستم بر می‌آید، در باره وی کوتاهی نمی‌کنم. ای رسول خدا! آیا حق مادرم را ادا کرده‌ام؟

۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة قم: مؤسسه آل‌البیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، اول، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۰۵.

رسول خدا ﷺ فرمود: «لَا وَ لَا بِزَفْرَةٍ مِنْ زَفْرَاتِهَا»^۱ نه، هرگز؛ حتی یک ناله از ناله‌های او را جبران نکرده‌ای.»

البته، فرزندان باید تلاش کنند تا در حد امکان و توانایی خویش حقوق مادر را رعایت نمایند.

از رسول اکرم ﷺ سؤال شد که حق پدر چیست؟ فرمود: «تا زنده است از او اطاعت کنی و از دستوراتش سرپیچی ننمایی. سپس سؤال شد: حق مادر چیست؟ فرمود: هیهات! هیهات! که بتوانی حق مادر را ادا کنی...»^۲

۷. رعایت حقوق والدین بعد از مرگ

از دیدگاه فرهنگ اسلام، پدر و مادر هم‌چنان که در حال حیات خود حقوقی بر فرزندان خود دارند، بعد از مرگ‌شان نیز حقوقی بر فرزندان دارند. برخی از آن‌ها به این شرح است:

- زیارت مزار والدین:

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هر کس قبر پدر و مادرش یا یکی از این‌ها را در هر جمعه زیارت کند و در کنار مزار آنان سوره یاسین را بخواند، در مقابل هر حرفی که از این سوره می‌خواند، آمرزشی از سوی خداوند دریافت خواهد کرد.»^۳

آن حضرت در حدیثی دیگر فرمود: «کسی که قبر پدر و مادر و یا یکی از آن‌ها را با قصد قربت زیارت می‌کند، معادل یک حج پذیرفته‌شده ثواب برده است و هر کس پیوسته به زیارت قبر والدین خود برود، ملائکه قبر او را زیارت خواهند

۱ طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: المكتبة الحیدریة، دوم، ۱۳۸۵ق، ص ۱۶۱.

۲ نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل‌البتیة، اول، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۸۲: «... مَا عَدَلَ ذَلِكَ يَوْمَ حَمَلْتَهُ فِي بَطْنِهَا.»

۳ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۸۹، ص ۲۹۳: «مَنْ زَارَ قَبْرَ وَالِدَيْهِ أَوْ أَحَدِهِمَا فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَقَرَأَ عِنْدَهُمَا يَسَّ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ بِعَدَدِ كُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا.»

کرد.»^۱

- قرائت قرآن برای والدین:

قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان و آیین زندگی است و مسلمان وظیفه دارد که از دوران کودکی تا آخرین روز حیات خویش، با این کتاب آسمانی ارتباط همیشگی داشته باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «قرآن، عهدنامه خداوند متعال برای تمام انسانها می باشد. بر هر مسلمانی شایسته است، به این عهدنامه بنگرد و هر روز پنجاه آیه از آن را تلاوت کند.»^۲ اگرچه قرآن آیین زندگی در دنیا است، اما آیات نورانی آن برای مردگان نیز تأثیر دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ فِي الْمُصْحَفِ تُخَفِّفُ الْعَذَابَ عَنِ الْوَالِدَيْنِ وَ لَوْ كَانَا كَافِرَيْنِ؛^۳ قرائت قرآن از روی مصحف، از عذاب پدر و مادر می کاهد؛ هرچند آنان کافر باشند.»

- اعمال نیک به نیت پدر و مادر:

یکی دیگر از وظایف فرزند بعد از مرگ پدر و مادرش، این است که جهت شادی روحشان، از انجام اعمال نیک دریغ نرزد؛ به این ترتیب که دوستان آنان را مورد احترام و محبت قرار دهد، نماز بخواند و ثواب آن را به پدر و مادر هدیه کند، برای آمرزش آنان دعا نماید، اگر عهد و پیمانی دارند، به آن وفا کند، در ادای قرض آنان سهل انگاری نکند و با آشنایان و فامیل های پدر و مادر دیدار نموده و از احسان به آنان کوتاهی نرزد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: سرآمد ابرار و نیکان در روز قیامت، کسی است که پس از مرگ پدر و مادر برای آنان احسان و نیکی کند؛ حتی بنا به فرموده آن حضرت، برخی

۱. متقی هندی، کنز العمال، پیشین، ج ۱۶، ص ۴۷۹.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۶۰۹.

۳. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، پیشین، ج ۶، ص ۲۰۴.

از اعمال نیک فرزندان، در سرنوشت والدین بعد از مرگ آنان نیز تأثیر مثبت دارد و این عمل، از بار مسئولیت فرزندان کاسته و بخشی از حقوق والدین‌شان را از عهده آنان ساقط می‌کند. به جا آوردن نمازهای قضا و مستحبی، دعا برای والدین، عمل به عهد و پیمان‌های آنان، معاشرت خوب و نیکی به فامیل و بستگان والدین، تکریم دوستان آنان از جمله این اعمال است.^۱

- پرداخت بدهی:

برخی فرزندان، موقعی که والدین‌شان زنده‌اند، به آنان احسان و نیکی نمی‌کنند؛ اما پس از وفات‌شان، بدهی آنان را می‌پردازند و از خداوند متعال برای‌شان طلب آمرزش می‌نمایند. چنین فرزندان، از دیدگاه امام پنجم علیه السلام، در باره والدین خود نیکوکار به شمار می‌آیند.

برخی دیگر از فرزندان، در زمان حیات پدر و مادرشان نیکوکارند؛ اما بعد از مرگ آنان، بدهی‌شان را نمی‌پردازند و برای والدین خود طلب آمرزش نمی‌کنند. خداوند متعال چنین فرزندان را عاق والدین و گنه‌کار می‌داند.^۲

۱. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، بیروت: دار الفکر، ج ۴، ص ۶۱؛ متقی هندی، کنز العمال، پیشین، ج ۱۶، ص ۴۷۴.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۳.